



## سوره مبارکه نور

جلسه ششم (آخر): ۹۲/۱۰/۱۴

برای فهم آیات انتهایی سوره مبارکه نور می‌توانید به صورت زیر عمل کنید:

- موضوعاتی که مطرح می‌شود حول محور اطاعت از خدا و رسول است. بعضی از آیات هم دربارهٔ آسیب‌شناسی (دلایل آسیب) است. عده‌ای از آدم‌ها به انحاء مختلف از اطاعت خدا و رسول سرباز می‌زنند.
  - بخشی از آیات هم مربوط به «احکام» می‌شود. این احکام به سه دستهٔ جامعه، خانواده و روابط بین خانواده‌ها تقسیم می‌شود.
  - این احکام می‌توانند به عنوان نمونه و شاخص مطرح باشند.
  - نمونهٔ شاخص، یعنی با اینکه تک است، اما ارزش زیادی دارد.
- به طور خلاصه:

- موضوعات حول محور اطاعت از خدا و رسول
  - آسیب‌شناسی (دلایل آسیب)
  - احکام:
- |                         |                |
|-------------------------|----------------|
| ✓ جامعه                 | ← نمونه (شاخص) |
| ✓ خانواده               | ← نمونه (شاخص) |
| ✓ ارتباط بین خانواده‌ها | ← نمونه (شاخص) |

### بررسی ادامه آیات:

- آیه ۵۰: آیه مهمی است. این آیه سه دلیل را ذکر می‌کند: سه مورد «مرض در قلب»، «ارتیاب» و «عدم اعتماد» را بیان می‌کند. این سه مورد باعث می‌شود انسان اطاعت از خدا و رسول نداشته باشد.
- «مرض قلب» یعنی قلبی که در آن حسد، کینه، بغض و ... باشد.
- «ارتیاب» از ریب، به معنای بددلی گرفته شده است. یعنی فرد نسبت به دین و احکامش دودل و بددل باشد.
- اگر کسی یکی از این سه مورد هم در دلش باشد، وقتی به حکم خدا و رسول می‌رسد، قطعاً به جای اطاعت زیرآبی می‌رود. به هر شکلی «ریب» گفته نمی‌شود.
- «بددلی» فرد را هنگام انجام احکام الهی به تردید وامی‌دارد.
- یحیف: یعنی حیف کردن. آنها می‌پنداشتند رسول خدا حق آنها را نمی‌دهد و حیف می‌کند.
- آیه ۵۱: باید از خدا بخواهیم اجتهاد کردن را از ما بگیرد.
- «اجتهاد در حکم» بالاترین آسیبی است که به جامعه وارد می‌شود. اینکه انسان بخواهد درباره هر چیزی حکم صادر کند.
- آیه ۵۴: بعضی آیات مانند آیه ۵۴ به نظر بدیهی می‌آیند. اما گاهی باید مطالب بدیهی را بخوانیم.

- آیه ۵۵: یکی از اعتقاداتی که هر انسان موحدی باید داشته باشد این است که: خدا به مؤمنین وعده داده که حتماً در زمین استخلاف خواهند داشت. همه ما باید بدانیم که زمین مال اهل ایمان است و روزی این استقرار اتفاق خواهد افتاد. این مطلب جدیدی نیست و دوره‌های قبل هم چنین بوده که «الذین آمنوا» استخلاف داشته‌اند.

- «فسق» عبارت است از تخطی افراد، از ایمان اجتماعی حاکم. زیرا «کفر» موجب شکست وحدت ایمانی اجتماع می‌شود. (کفر در اینجا در مقابل ایمان است)

- بعد از اینکه استخلاف «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» اتفاق افتاد اگر کسی ساز مخالف بزند، «فسق» است.

- آیه ۵۶: نزول رحمت در جامعه را منوط به سه شرط می‌کند:

۱- اقامه نماز

۲- ایتاء زکات

۳- اطاعت از رسول

- در بین اوامر و نواهی بعضی از آنها حکم منسک دارند. «مناسک» حکم روتین پیدا می‌کنند و فرهنگ عمومی می‌شوند.

- فرهنگ عمومی جامعه نورانی باید این سه مورد باشد.

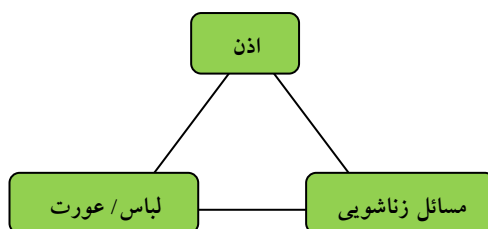
- «استخلاف» یعنی افراد از مجموعه امکاناتی که قبلاً بوده است، به صورت بهینه استفاده می‌کنند و از پیشرفت‌های گذشته پله می‌سازند. استخلاف قدردانی از گذشتگان را هم در خود دارد.

- آیه ۵۵ یکی از مهم‌ترین آیات در باب تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است و شرایط بعد از حکومت را نیز بیان می‌کند. یعنی حکومت حضرت مهدی (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) حکومتی است که از همه خیرها و برکات گذشتگان استفاده کرده و علاوه بر آن توانسته دینی که دین خداست را حاکم کند.

- آیه ۵۸: از این آیه به بعد آیات، وارد فضای احکام می‌شوند.

- اگر فرهنگ عمومی جامعه‌ای بر اساس نماز باشد وقتی زمان‌ها مطرح می‌شود بر اساس نماز بیان می‌شود.

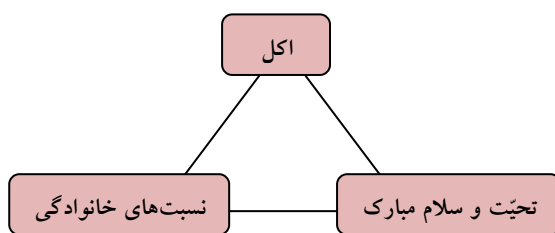
- آیات ۵۹ و ۶۰: مربوط به خانواده است. در خانواده بحث اذن، لباس، عورت و مسائل زناشویی مطرح است.



- آیه ۶۱: این آیه از آیات عجیب قرآن است زیرا حکمی را مطرح می‌کند که بسیار بدیهی به نظر می‌رسد. اینکه اگر بخواهید از خانه‌های خودتان رزقی تناول کنید، اشکالی ندارد و می‌توانید آن را بخورید. از خانه زنان، برادران و بقیه‌ای که نام برده است نیز می‌توانید رزق بخورید.

- این آیه «ارتباط بین خانواده‌ها» را مطرح می‌کند. بحث اکل، نسبت‌ها، تحیت و سلام را مطرح کرده است.

- این آیه چند کار را با هم انجام داده است. حکمی بدیهی را مطرح نموده و سپس آن را تعمیم داده است.



- بعد از بلوغ فرد، عادت در روابط، باید به ارتباط بر اساس حکم تبدیل شود.
- «تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»: یعنی خدا می‌خواهد شما را حیّ کند. تک‌تک خانه‌ها را محل سلام کنید. خودِ آدم سلام می‌کند از طرف خدا.
- سلامی که از طرف خدا گفته می‌شود «حیات» ایجاد می‌کند و کینه‌ها را از بین می‌برد.
- اگر کسی به آیه ۶۱ عمل کند دیگر در خانه‌اش کینه، نفرت، دوگانگی بین اعضای خانواده ایجاد نمی‌شود. زیرا وقتی فرد از جانب خدا سلام می‌کند یعنی خودش را بلندگوی خدا کرده است.
- بهترین شیوه برای اصلاح خود و اجتماع این است که انسان خودش را به جای رسول خدا جا بزند زیرا در این صورت رنگ خدا به خود می‌گیرد. چنین آدمی دیگر نمی‌تواند کینه داشته باشد.
- در این آیه حوزه بیت افزایش پیدا می‌کند.
- همین اتفاقی که در حوزه خوراکی‌ها می‌افتد، در حوزه معنویات نیز می‌افتد. مؤمن هر جایی می‌رود با نور خودش همه این بیوت را منور می‌کند. انگار خدا بیوت را در اختیار خودش گرفته است.
- اینها احکام فطری می‌شوند. زیرا مثلاً کسی که خانه پدرش می‌رود انگار خانه خودش رفته است.
- این آیه سه نکته را به طور هم‌زمان مطرح می‌کند:
- ۱- حکمی را مطرح می‌کند که در آن افراد اعمی، اعرج، مریض و سالم در حکم «اکل» بالسویه هستند و یک سری از بیست‌ها یعنی بیت خود فرد و آبائش و بقیه این افراد، بالسویه هستند.
- از بالسویه بودن این حکم برداشت می‌شود:
- ۱- این حکم قبلاً اجرا می‌شده.
- ۲- بخشی از این حکم انجام می‌شده و بخشی از آن انجام نمی‌شده.
- ۳- اصلاً اجرا نمی‌شده.
- خصوصیت یکسان‌سازی این است که روابط خانوادگی را به شدت افزایش می‌دهد.
- این حکم شگون بد داشتن این افراد (لنگ و نابینا و ...) را در نظر عرف برمی‌دارد. زیرا نوعاً تفکر جامعه این است که این افراد بدشگون هستند.
- ناتوانی‌های جسمی توان معنوی افراد را قطع نمی‌کند.
- اکل بهانه‌ای است برای ارتباط. مهم است که در این خانه‌ها بهانه‌ای برای سلام پیدا شود.

- در هر وعده‌ای از وعده‌های غذا می‌توانید سلامی از جانب خدا دریافت کنید. در واقع الکل را با رحمتی آغشته می‌کند و اسم آن را «تَحِیَّت» می‌گذارد.

- این نشان می‌دهد که در الگوی سبک زندگی اسلامی حتی کارهای ساده مانند سلام کردن، می‌تواند برکت‌آور باشند و نور خدا را جاری کند.

- اگر کسی بتواند در کارهای ساده مانند: اکل، سلام و ... نور خدا را جاری کند، به طور طبیعی در کارهایی مانند نماز، روزه و ... به راحتی می‌تواند این کار را کند.

- آیه ۶۲: این آیه احکام در حوزهٔ جامعه را مطرح می‌کند. این آیه بسیار جالب است. امر جامع، امری است که همه باید در آن مشارکت داشته باشند. امر جامع یعنی امری که مربوط به همهٔ آدم‌های جامعه باشد.

- آیه ۶۳: این آیه مطالب زیادی را بیان می‌کند. عده‌ای هستند که از معرکه‌ها می‌گریزند.

- تسلُّل: کسانی که تسلُّل دارند عامل نزول عذاب و بلا هستند. اینها بهانه‌جویی و فرار می‌کنند از احکام. اینها به انحاء و اقسام مختلف فرار می‌کنند تا حکم برای آنها جاری نشود (تسلُّل یعنی دزدانه می‌گریزند).

مراقبت از امر جامع: اگر ما بتوانیم از آیاتی که خواندیم، برای اطاعت از خدا و رسول، مجرای در نظر بگیریم، همهٔ آیاتی که خواندیم، بی‌استفاده می‌شود. یعنی اگر بگوییم این آیات برای رسول نازل شده و حال که رسول از دنیا رفته است پس رسولی وجود ندارد، این آیات از حیث انتفاع ساقط می‌شود.

- رسول کسی است که حکم دستش است (مانند: علماء، ولیّ فقیه و ...). جاری بودن حکم خدا و رسول در هر زمان است.

- امر جامع آن است که همه مردم لازم است در آن مشارکت داشته باشند تا جلوی چیزی گرفته شود. مثلاً: امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق امر جامع است.

- در امر جامع هر کسی باید متناسب با شأنش بروز داشته باشد. مثلاً زمانی که جهاد اقتصادی امر جامع است، حتی اسراف نکردن یک قطره آب نیز مهم می‌شود.

- **توجه:** وقتی امر جامع وجود دارد، صحنه‌هایی دیگر نیز در جامعه وجود دارند که آنها نیز مهم هستند و برای ورود به آنها نیاز به «اذن» رسول است.

✓ امر جامع در جامعه وجود دارد.

✓ این امر جامع منجر به یکپارچگی جامعه می‌شود.

✓ خدا به بعضی از مؤمنین شمی داده است که هم امر جامع را تشخیص می‌دهند و هم بعضی از امور را.

- «إِذَا كَانُوا مَعَهُ»: یعنی باید با رسول معیت داشته باشد.

- «اذن» جزء شئون ولایت است که در هر بستری وقوع پیدا می‌کند. بنابراین برای ولایت مدار شدن انسان‌ها باید اذنشان تقویت شود.

- «اذن» یعنی در خیلی از موارد فرد اجتهاد نکند و پرسد، اگر اجازه دادند انجام دهد.

- آیه ۶۴: در آیه آخر باید جمع‌بندی مطالب را به دست آورد.

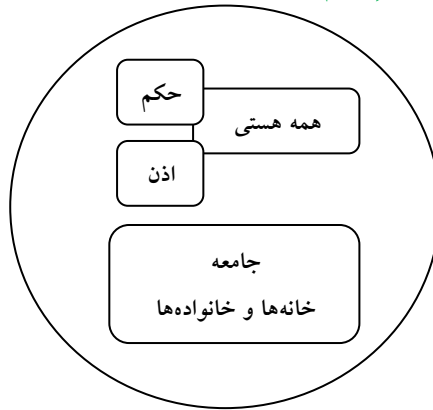
- محور علمی سوره نور/ اگر بخواهند خانواده‌های نورانی تربیت بشوند:

۱- فهم «مالکیت» خداوند که قلمرو آن آسمان‌ها و زمین است. (إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

۲- فهم «علم» خداوند که قلمرو آن هر شأنی است که داشته باشید. (قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ)

۳- فهم «علم» خداوند که قلمرو آن روزی است که رجوع می‌کنید به سمت او. (به آینده‌ای که ثابت می‌شود (استقرار پیدا می‌کند))

(وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)



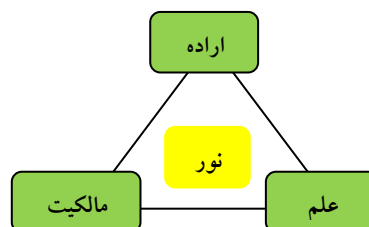
توضیح درباره مورد ۱: وقتی بحث مالکیت مطرح می‌شود موضوع «اذن» به میان می‌آید. زیرا اذن از لوازم مالکیت است. وقتی خدا مالک آسمان‌ها و زمین است. یعنی شما برای نفس کشیدن‌تان هم اذن می‌خواهید. اگر خدا را مالک گوش و چشم خود بدانیم دیگر هر چیزی را نمی‌شنویم و نمی‌بینیم و دیگر هیچ گناهی نمی‌کنیم.

- اگر کسی بخواهد مالکیت خدا را به خوبی بفهمد یکی از راه‌های آن فهم آیه نور است. یعنی باید بتواند مالکیت و علم را با موضوع نور ارتباط دهد. قوام علم، به نور است. اگر ماهیت علم را به غیر از نور بدانیم به خطا رفته‌ایم. همه چیز با نور دیده می‌شوند. اگر نور نباشد «تمایز، بیان و سطح» ایجاد نمی‌شود.

- قوام هر چیزی به نور است و اگر نور نباشد آن چیز معنی پیدا نمی‌کند. پس مالک آن می‌شود چیزی که قوام‌بخش اوست.

- مالکیت‌ها در انسان‌ها کاملاً اعتباری است و مالکیت خداوند «حقیقی» است.

- چون مالکیت حقیقی وجود دارد، علم هم وجود دارد.



- برای اینکه بتوانیم از چرخه نور استفاده کنیم، موضوع ولایت و اذن می‌شود، واسطه انسان در بهره‌گیری از مالکیت، علم و اراده خدا.

- ولایت خدا و رسول را «اطاعت» می‌نامند. یعنی آنچه انسان را با نور ارتباط می‌دهد، اطاعت است. شأن اطاعت بالاتر از اذن است. زیرا اطاعت، اذن دائمی فرد است.

- اطاعت: اذن همراه با طوع و میل و به صورت دائمی است.
- هر قدر انسان اطاعتش از ولیّ خدا بیشتر باشد نورانیت او (یعنی سهم و بهره فرد از اراده، مالکیت و علم خدا) بیشتر می‌شود.
- یعنی خدا کلید نوری را که می‌خواهد جاری کند، «اطاعت» قرار داده است.
- خدا در قرآن «همه چیز» را به صورت «بکل شیء» یا «ربّ العالمین» و یا «سماوات و الارض» بیان می‌کند.

- انشاءالله سوره مبارکه نور بر جان و روان ما جاری شود.
- انشاءالله ملائکه سوره نور به ما کمک کنند تا بتوانیم این سوره را در خود، خانواده و جامعه‌مان جاری کنیم.
- انشاءالله به شنیدن آن اکتفا نکنیم بلکه به جاری کردن آن در همه اقصی نقاط عالم فکر کنیم.

یا رسول الله دست ما را هم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین